

بررسی معادل‌گزینی آیات متشابه‌ناظر به صفات سلبی خداوند در ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم^۱

سیدمحمد رضا میرسید^۲

چکیده

در میان چالش‌هایی که مترجمان قرآن با آن مواجه هستند، ترجمه آیات متشابه‌ناظر به صفات خداوند است که بعضاً موهم جسمانیت و مکان‌مندی خداوند متعال می‌شود. از آنجا که خود قرآن، معصومان (ع) و به تبع آنها مفسران، برای فهم صحیح و دقیق این نوع آیات، اصل و روش «ارجاع متشابهات به محک‌مات» را مطرح نموده‌اند، بنابراین شایسته است ترجمه این نوع آیات براساس پژوهش‌های روایی و تفسیری مورد بررسی قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچند در خصوص توصیف، تبیین و چرایی آیات متشابه در قرآن آثار پرشماری نگاشته شده، لیکن درباره سنجش ترجمه این آیات از این منظر، آثار مستقل قابل توجهی مشاهده نشده است. به همین خاطر در این پژوهش، آیات متشابه‌ناظر به صفات سلبی خداوند که ظاهر آن‌ها موهم جسمانیت است، انتخاب شده و با ملاک‌های تفسیری، روایی و فرهنگ‌های واژگانی قرآن تحلیل شده‌اند. علت انتخاب این آیات، اهمیت مفهومی آن‌ها و چالش‌های مترجمان در انتقال دقیق معانی آن‌ها بوده است. برای تحلیل، ده ترجمه معاصر فارسی قرآن که شیوه‌های متفاوتی از معادل‌گزینی را ارائه داده‌اند، انتخاب و بررسی شده‌اند. در این پژوهش، از چارچوب نظری یوجین نایدا استفاده شده است که دو نوع معادل‌گزینی صوری و پویا را ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی مترجمان معاصر با استفاده از معادل‌گزینی پویا و بهره‌گیری از اصول تفسیری، موفق شده‌اند ترجمه‌هایی هماهنگ با آیات محکم قرآن ارائه دهند، در حالی که برخی دیگر با تکیه بر معادل‌گزینی صوری، آیات را همچنان در حالت متشابه حفظ کرده‌اند.

واژه‌های راهنما: آیات متشابه، آیات محکم، قرآن، معادل‌گزینی پویا، معادل‌گزینی صوری

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۵ به تصویب رسید.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران؛ پست الکترونیک: mirsayyed@du.ac.ir

۱. مقدمه

مطالعات نشان می‌دهد که از چالش‌های دشوار پیش روی مترجمان ترجمه آیات متشابه قرآن است. به ویژه آیات متشابه ناظر به صفات سلبی خداوند که سبب توهم جسمانیت و مکان-مندی برای خداوند متعال می‌شود. از مهمترین عوامل این چالش‌ها، عدم درک صحیح و دقیق مفاد و مقصود این نوع آیات است.

راهکاری که خود قرآن، معصومان(ع) و به تبع آنها مفسران، برای فهم صحیح و دقیق این نوع آیات مطرح کرده‌اند، اصل و روش «ارجاع متشابهات به محکمت» است. آیات متشابه آیاتی هستند که مشتمل بر مدلولی متشابه می‌باشند ولی آیات محکم آیاتی هستند که هیچ تشابهی در مدلول آنها نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۸). قرآن کریم در آیه ۷ سوره آل عمران، ضمن توصیف آیات خود به محکم و متشابه، با عبارت «هُنَّ أُمَّ الْكِتَابِ» ارزش و جایگاه آیات محکم را هم تبیین کرده است. چون کلمه «ام» به حسب اصل لغت به معنای مرجعی است که بدان رجوع می‌شود، به همین جهت آیات محکم را «ام الکتاب» گویند زیرا مرجع آیات متشابه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰). علاوه بر قرآن، معصومان(ع) نیز بر مرجعیت آیات محکم برای فهم و تفسیر متشابهات صحه گزارده‌اند. به عنوان نمونه امام رضا (ع) در این باره فرموده‌اند: «کسی که متشابه قرآن را به محکم آن رد کرد [ارجاع داد] به راه راست هدایت یافت» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۰).

لازم به ذکر است که در این پژوهش، مراد از تشابه در آیات متشابه، تشابه معنایی (معنوی) است نه تشابه لفظی. منظور از تشابه معنایی تشابهی است که در آن معنای آیات به خاطر وجود واژه‌ها و عبارات شبهه‌آفرین در معرض شبه و اشکال قرار دارند. به گونه‌ای که در آغاز مقصود از آنها روشن نیست، مثل آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (۲۰: ۵) که معلوم نیست منظور از برقرار شدن خدا بر عرش چیست؟ ولی وقتی به آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (۴۲: ۱۱) مراجعه می‌شود، معلوم می‌شود که قرار گرفتن خدا بر عرش مانند قرار گرفتن سایر موجودات بر تخت نیست، بلکه منظور از کلمه «استوی» تسلط بر ملک و احاطه بر خلق است، نه روی تخت

نشستن و بر مکانی تکیه دادن که کار موجودات جسمانی است و چنین چیزی از خدای سبحان محال است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۳۱).

از آنجا که آیات متشابه ساختاری دارند که برای معانی ظاهری آنها احتمالات مختلفی وجود دارد که بعضا سبب ابهام می‌شود، لذا این پرسش مطرح می‌شود که آیا معادل‌هایی که مترجمان قرآن برای ترجمه واژه‌های شبه‌انگیز آیات متشابه -به ویژه آیات ناظر به صفات سلبی خداوند- برگزیده‌اند، در راستای آیات محکم قرآن است و آیا با محکمت قرآنی در تعارض نمی‌باشد؟

۲. پیشینه و چارچوب نظری پژوهش

گسترش روزافزون ترجمه‌های فارسی قرآن در عصر حاضر و گوناگونی این ترجمه‌ها، منتقدان را برآن داشته است که با روش‌ها و شیوه‌های مختلف به بررسی و نقد ترجمه‌های قرآن بپردازند. با مطالعه آثار این منتقدان مشخص می‌شود که هرکدام از این نقدها بر اساس ضوابط و معیارهای خاصی صورت پذیرفته است. امانی (۱۳۸۸) براساس معیارها، قواعد و ساختارهای علم صرف، تعدادی از معادل‌های واژه‌های قرآنی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که ترجمه دقیقی از سوی برخی مترجمان برای آنها ارایه نشده است.

اقبال و زرنگار (۱۳۹۲) با معیارهای بلاغی، به نقد معادل‌های کنایات و استعاره‌های قرآنی پرداخته‌اند و در مقاله خود ترجمه‌های عبارت‌های کنایی آیات ﴿سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ﴾ (۶۸: ۱۶)، ﴿حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ (۷: ۴۰)، ﴿قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ﴾ (۳۷: ۴۸)، ﴿يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ﴾ (۲۵: ۲۷)، ﴿وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا﴾ (۱۸: ۴۲) و آیاتی از این دست را بر اساس منابع لغوی و کتب تفسیری بررسی و نقد کرده‌اند.

امانی و شادمان (۱۳۹۱) ترجمه عبارت‌های استعاری مانند ﴿وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا﴾ (۱۹: ۴)، ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ﴾ (۲: ۶۱)، ﴿فَإِذَا قَامَ اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ﴾ (۱۶: ۱۱۲) را با توجه به روش‌های پیشنهادی نیومارک - روش‌های تحت‌اللفظی، معنایی، استعاره به استعاره، استعاره به تشبیه، ترجمه با استفاده از افزوده‌های تفسیری یا بدون استفاده از این افزوده‌ها - بررسی نموده-

اند.

برخی پژوهشگران هم معادل‌های واژه‌های قرآنی مانند «صلوة، تبشیر و اغواء» را بر اساس بافت آیات بررسی نموده، به عبارت دیگر، نقد خود را درباره واژه‌های مذکور بر اساس معیار «بافت» سامان داده‌اند (فهیمی‌تبار، ۱۳۸۴). برخی دیگر نیز معادل‌گزینی ترجمه‌ها را بر اساس معانی مطروحه در روایات تفسیری بررسی کرده و در مقاله خود معادل‌های گزینشی برخی از واژه‌های قرآنی (الجاریات، یُصلون، وراء، قَطّ و غیره) را با توجه به کتب روایی و تفسیری معصومان (ع) و فرهنگ‌های واژگانی مورد بررسی و نقد قرار داده و مشخص نموده‌اند که تا چه حد معانی روایی معصومان (ع) مورد توجه مترجمان معاصر فارسی قرار گرفته است (میرسید و حاجی‌اسماعیلی، ۱۳۹۲).

کاوش‌ها نشان می‌دهد که هرچند درباره نقد واژگانی ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن پژوهش‌های پرشماری صورت گرفته، ولی اثر قابل توجهی در خصوص ترجمه آیات متشابه (با تشابه معنایی) به نگارش در نیامده است. البته آثاری هستند که تا حدودی به موضوع این پژوهش مرتبطند. مانند جستارهایی که در آنها، میزان «ترجمه پذیری اسماء الهی» (شرکت‌مقدم، ۱۳۹۵)، و «چالش‌های برابری اسماء‌الحسنی در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم» واکاوی شده و همچنین معادل‌های اسامی خداوند در ۳۵ ترجمه فارسی معاصر، با رویکرد آسیب‌شناسی فنی و ادبی ترجمه، مورد بحث قرار گرفته‌اند (تاج‌آبادی، ۱۳۹۸). اما در این مقالات هم، هرچند درباره صفات خداوند بحث شده، لیکن بحث از تشابه معنایی واژه‌ها چندان پررنگ نمی‌باشد. به همین خاطر، پژوهش حاضر، با رویکرد جدیدی به بررسی معادل‌های گزینشی آیات متشابه ناظر به صفات سلبی خداوند اقدام نموده و ترجمه‌های این نوع آیات را با توجه به آیات محکم قرآن، روایات تفسیری و فرهنگ‌های واژگانی مورد توصیف و تحلیل قرار داده است.

ترجمه متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، به دلیل لایه‌های معنایی متعدد و مفاهیم پیچیده، مستلزم چارچوب نظری دقیق و جامع است. در این پژوهش، نظریه معادل‌گزینی یوجین نایدا (۲۰۲۱) به‌عنوان مبنای تحلیلی انتخاب شده است. این نظریه به دلیل تأکید بر تعادل میان حفظ

ساختار متن اصلی و انتقال پیام به زبان مقصد، رویکردی کاربردی برای بررسی ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن ارائه می‌دهد. نایدا در نظریه خود دو نوع معادل‌گزینی را معرفی می‌کند: معادل‌گزینی صوری و معادل‌گزینی پویا. در معادل‌گزینی صوری تمرکز بر بازتاب دقیق ساختار و فرم متن اصلی است. هدف این رویکرد، امانت‌داری به زبان مبدأ است و در نتیجه، مترجم تلاش می‌کند واژگان و نحو متن اصلی را تا حد امکان حفظ کند. این نوع معادل‌گزینی در ترجمه آیات متشابه قرآن، معمولاً به معادل‌هایی منجر می‌شود که ظاهر متن را بازتاب می‌دهند؛ مانند ترجمه واژه «ید» به «دست» یا «وجه» به «چهره»، که ممکن است خواننده را با معنای ظاهری و گاه گمراه‌کننده مواجه کند. معادل‌گزینی پویا بر انتقال پیام و اثر متن اصلی تمرکز دارد. در این رویکرد، مترجم تلاش می‌کند معنای نهفته در متن را به گونه‌ای منتقل کند که مخاطب زبان مقصد همان تأثیری را دریافت کند که مخاطب زبان مبدأ تجربه کرده است (نایدا، ۲۰۲۱). در مورد آیات متشابه، این نوع معادل‌گزینی ممکن است واژه «ید» را به «قدرت» و «وجه» را به «ذات الهی» ترجمه کند تا معنا و پیام عمیق‌تر آیات با زمینه فرهنگی و زبانی جدید سازگار شود. در زمینه آیات متشابه قرآن، نظریه نایدا به مترجمان این امکان را می‌دهد که به دو رویکرد متفاوت بپردازند:

- اگر مترجم به معادل‌گزینی صوری وفادار بماند، ممکن است ترجمه در حالت متشابه باقی بماند و خواننده زبان مقصد را با ابهام مفهومی مواجه کند.
- اگر مترجم از معادل‌گزینی پویا بهره بگیرد، می‌تواند پیام آیات را با تکیه بر آیات محکم و اصول تفسیری اسلامی بازآفرینی کرده و از ابهام بکاهد. این دیدگاه بر نقش مترجم به‌عنوان یک مفسر خلاق تأکید دارد که علاوه بر دانش زبانی، باید از دانش تفسیری و فرهنگی نیز برخوردار باشد.

این چارچوب نظری به پژوهش حاضر کمک می‌کند تا معادل‌های ارائه‌شده در ترجمه‌های فارسی قرآن را ارزیابی کند و مشخص نماید که کدام ترجمه‌ها با استفاده از معادل‌گزینی پویا توانسته‌اند پیام اصلی آیات متشابه را بهتر منتقل کنند.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله به‌صورت تحلیلی-توصیفی و با استفاده از رویکرد مقایسه‌ای

تدوین شده است. در انتخاب آیات مورد بررسی، آیات متشابه ناظر به صفات سلبی خداوند انتخاب شدند که ظاهر آن‌ها می‌تواند سبب توهم جسمانیت و مکان‌مندی خداوند شود. ملاک اصلی در انتخاب این آیات، اهمیت مفهومی آن‌ها در نقد و بررسی ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن بود، به‌گونه‌ای که این آیات معمولاً در مرکز توجه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، چارچوب نظری معادل‌گزینی یوجین نایدا (۲۰۲۱) به‌عنوان مبنای تحلیلی انتخاب شده است. برای تحلیل این آیات، از منابع تفسیری معتبر همچون تفسیر المیزان و مجمع‌البیان استفاده شد که به‌طور خاص به توضیح آیات محکم و متشابه پرداخته‌اند. همچنین فرهنگ‌های واژگانی تخصصی قرآن، مانند لسان العرب و مفردات راغب، به‌دلیل تبیین دقیق مفاهیم واژگان و تشابه معنایی در تحلیل انتخاب شدند. هدف از استفاده از این منابع، دستیابی به درک عمیق‌تری از معانی واژگان و عبارات شبه‌انگیز و نحوه ارجاع آن‌ها به آیات محکم قرآن بود.

در تحلیل ترجمه‌ها، ده ترجمه معاصر فارسی قرآن که بازتاب‌دهنده شیوه‌های مختلف معادل‌گزینی هستند، انتخاب شدند. این انتخاب با توجه به گستره زمانی، شیوه‌های معادل‌گزینی و شهرت مترجمان صورت گرفت. سپس معادل‌های ارائه‌شده در این ترجمه‌ها با معیارهای محتوایی (مانند اصول تفسیری و ارجاع به آیات محکم) و شکلی (مانند میزان وفاداری به ظاهر متن اصلی) تحلیل شدند. شیوه استفاده از منابع به این صورت بود که ابتدا واژگان و عبارات شبه‌برانگیز با مراجعه به فرهنگ‌های واژگانی و تفاسیر، معناشناسی شدند. سپس این معانی با معادل‌های ارائه‌شده در ترجمه‌های معاصر مقایسه شدند تا میزان هماهنگی آن‌ها با اصول تفسیری و مفاهیم محکم قرآنی بررسی شود. هدف از این روش، ارزیابی این بود که آیا ترجمه‌ها توانسته‌اند آیات را از حالت متشابه خارج کنند یا همچنان در حالت ابهام و تشابه باقی مانده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱ یدِیَّ

آیه: ﴿... مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيدِيَّ...﴾ (۳۸: ۷۵).

در میان آیات متشابه، آیاتی هستند که در آنها برای خداوند واژه «ید» به کار رفته است. مانند آیه ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (۴۸: ۱۰) و آیه ﴿... لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِي...﴾ (۳۸: ۷۵) است. زیرا اولین معنایی که از واژه «ید» به ذهن متبادر می‌شود، معنای ارجاعی آن یعنی محدوده انگشتان و کف دست است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۵، ص. ۴۱۹). به‌همین خاطر دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، این قبیل آیات را در زمره آیات متشابه قرار داده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۷۹).

بدیهی است که انتساب اعضا و جوارح به خداوند با آیه محکم ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (۴۲: ۱۱) در تعارض است. به‌همین جهت، امام رضا (ع) در باره معنای «ید» در جمله ﴿خَلَقْتُ بِيَدِي﴾ (۳۸: ۷۵) فرمود: «منظور قدرت است» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج. ۴، ص. ۶۸۳).

در فرهنگ‌های واژگانی معانی مختلفی برای واژه ید ذکر شده است؛ مانند: قوه، قدرت، تقویت، پشتیبان (ولی^۱)، یاری‌دهنده (ناصر)، قلمرو (حوزه)، ملک، استعاره از اعطاء نعمت، اختصاص نعمت. (راغب، ۱۳۸۹، صص. ۸۶۰-۸۵۸).

بررسی ترجمه‌ها

آیه: ﴿... لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِي...﴾ (۳۸: ۷۵).

۱. الهی قمشه ای: «...به موجودی (با قدر و شرافت) که من به دو دست (علم و قدرت) خود آفریدم...»
۲. فیض‌الاسلام: ... مر چیزی را که من او را بقدرت و توانایی خود آفریده‌ام..
۳. آیتی: ...در برابر آنچه من با دو دست خود آفریده‌ام ...
۴. فولادوند: ... برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم..
۵. مکارم شیرازی: ... « بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم...»
۶. خرمشاهی: ...به آنچه با دستان خویش آفریده‌ام...
۷. صفارزاده: ... «... آنچه با دست قدرت خود او را خلق فرمودم..»
۸. صادقی تهرانی: ... آنچه به دو دست (قدرت و رحمت) خویش آفریدم...
۹. موسوی گرمارودی: ... چیزی که به دست خویش آفریدم...

۱۰. حداد عادل: ... آنچه با **دستان خود** آفریده‌ام...

با دقت در معادل‌های گزینشی ترجمه‌ها برای واژه «یدی» در آیه (۳۸: ۷۵) ملاحظه می‌شود که مترجمان به دو صورت عمل نموده‌اند:

۱. برخی مترجمان (آیتی، خرمشاهی، موسوی گرم‌رودی و حداد عادل) با گزینش معادل «دست» برای واژه «ید» (معادل‌گزینی صوری) ترجمه آیه را در حالت متشابه نگه داشته‌اند.

۲. دیگر مترجمان سعی کرده‌اند، ترجمه این آیه از حالت متشابه خارج شود:

الف- برخی مترجمان در کنار معادل صوری (دست/ دو دست) با افزوده‌های تفسیری اشاره کرده‌اند که معانی دیگر مانند معنای مجازی/ معنای تجربی دست هم می‌تواند مد نظر قرار گیرد. به‌عنوان مثال الهی قمشه‌ای در پرانتز اول عبارت (قدر و شرافت) که ناظر به معنای مجازی (کنایی) است آورده و در پرانتز دوم عبارت (علم و قدرت) که در فرهنگ‌های لغت قابل رؤیت است را ذکر نموده است. صادقی تهرانی هم فقط معنای مجازی (قدرت و رحمت) را ذکر کرده، که احتمالاً به برخی روایات نظر داشته است

ب- برخی مترجمان نیز عبارت «بیدی» را با افزودن معادلی پویا معنا نموده و در متن اصلی و عبارات «به دستان قدرت خویش» (فولادوند)، «با دست قدرت خود» (صفارزاده) که معنای مجازی/ توضیحی استرا معادل قرار داده‌اند تا القاء نمایند که مراد از دست در این آیه، دست جسمانی نیست.

ج- برخی مترجمان (فیض‌الاسلام و مکارم شیرازی) هم با استفاده از معادل‌گزینی پویا معنای دیگر ید که قدرت هست را در نظر گرفته و عبارت «با قدرت خود» را جایگزین «بیدی» نموده‌اند تا آیه مذکور را از حالت متشابه بودن خارج نمایند.

۲-۴ وَجْهَ

آیه: ﴿... كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ...﴾ (۲۸: ۸۸).

آیه ۸۸ سوره قصص نیز در ردیف آیات متشابه قرار گرفته است (سیوطی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۲۳)، به‌خاطر این که معنای اول واژه «وجه» صورت و چهره است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج. ۴،

ص. ۶۶) و نسبت دادن چنین معنایی به خداوند متعال سبب شبیه شدن خداوند به موجودات جسمانی می‌شود. حال آن که بر اساس آیات محکم قرآن، خداوند از داشتن صورت و چهره به هر شکلی منزّه و مبرّاست.

در لغتنامه‌ها برای واژه «وجه» معانی مختلفی ذکر شده، مانند این که مراد از «وجه» در آیه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ ذات پروردگار است (راغب، ۱۳۸۹، ص. ۸۲۴).

در کتب و تفاسیر روایی آمده است که امام باقر(ع) درباره آیه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ فرمود: «خداوند بزرگ‌تر از آن است که به وجه توصیف گردد؛ منظور این است که هر چیزی جز دین او هلاک می‌شود و وجه آن است که از طریق آن به وی راه می‌یابند» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۹).

علامه طباطبایی نیز در باره معانی وجه ابتدا می‌نویسد: «دو کلمه «وجه» و «جهت» به یک معنا است و وجه هر چیزی در عرف عام به معنای آن ناحیه‌ای است که با آن با غیر روبرو می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۶، ص. ۱۳۴). آنگاه یادآور می‌شود که این معنا برای کلمه «وجه» از باب مجاز مرسل / استعاره است و در نهایت تأکید می‌کند که اگر مراد از «وجه» را دین بگیریم، آن وقت معنا آیه چنین می‌شود: هر دینی هالک است، مگر دین او (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۶، صص. ۱۳۸-۱۳۹).

بررسی ترجمه‌ها

آیه: ﴿...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...﴾ (قصص/۸۸)

۱. الهی قمشه‌ای: ... هر چیزی جز ذات پاک الهی هالک الذّات و نابوداست...
۲. فیض‌الاسلام: ... هر چیزی جز (دین و آئین) او تباه شونده است...
۳. آیتی: ... هر چیزی نابودشدنی است مگر ذات او...
۴. فولادوند: ... جز ذات او همه چیز نابودشونده است...
۵. مکارم شیرازی: ... همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود...
۶. خرمشاهی: ... همه چیز فناپذیر است، مگر ذات او...
۷. صفارزاده: ... همه چیز فانی است جز ذات اقدس خداوند که زنده‌ی ابدی است...

۸. صادقی تهرانی: ... جز وجه [ذات و وجهه] او همه چیز نابود شونده است...

۹. موسوی گرمارودی: ... هر چیزی نابود شدنی است جز ذات او ...

۱۰. حداد عادل: ... جز ذات او هر چه هست نابود شدنی است...

با توجه به مطالب مذکور، همه مترجمان به درستی دریافته‌اند که منظور از «وجه» در آیه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ معنای مجازی آن است، اما برای انتقال این معنای مجازی اکثر مترجمان (قمشه‌ای، آیتی، فولادوند، مکارم شیرازی، خرمشاهی، صفارزاده و موسوی گرمارودی) معادل «ذات» را برگزیدند که به نظر نوعی مجاز مرسل / استعاره است و با معنای لغتنامه‌ای آن هم منطبق می‌باشد. فقط ترجمه فیض‌الاسلام است که معنای روایی (دین و آیین) را به صورت افزوده تفسیری در ترجمه خود آورده است. تنها ترجمه‌ای که در متن اصلی ترجمه، برای وجه معادل‌سازی نکرده بلکه خود «وجه» را آورده ترجمه صادقی تهرانی است. ناگفته نماند که ایشان نیز احتمالاً از باب احتیاط جهت دوری از ورطه تشبیه دو واژه «ذات» و «وجهه» را هم ذکر نموده (البته داخل کروشه) که منظور وی مشخص نیست.

۴-۳ ناظره

آیه: ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ (۷۵: ۲۳)

آیه ۲۳ سوره قیامت نیز در میان آیاتی است که غالب مفسران و دانشمندان علوم قرآنی به متشابه بودن آن اذعان نموده‌اند (معرفت، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۳) زیرا وقتی شنونده آن را می‌شنود، بلافاصله به ذهنش خطور می‌کند که خدا هم مانند اجسام دیدنی است، ولی وقتی به آیه محکم ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾ (انعام/۱۰۳) مراجعه می‌کند، آن وقت می‌فهمد که منظور از «نظر کردن» تماشا کردن با چشم مادی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۱). فرهنگ‌های لغت برای «ناظره» دو معنای «نگاه کردن با چشم»، و «منتظر بودن» ذکر نموده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص. ۱۵۶؛ راغب، ۱۳۸۹، ص. ۷۸۱). در کتب تفسیری برای این دو معنا وجوه مختلفی به شرح ذیل بیان شده است:

الف- گروه اول که ناظره را به «نگاه کردن با چشم» معنا کرده‌اند، دو دسته‌اند؛ دسته اول

(مانند ابن عباس و قتاده) معتقدند که ناظران به سوی ثواب پروردگار نگاه می‌کنند. دسته دوم (مانند کلبی و مقاتل) معتقدند که خدا را معاینه و مشاهده می‌کنند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج. ۲۶، ص. ۱۱۵).

ب- گروه دوم هم که ناظره را به «منتظر بودن» معنا کرده‌اند، نیز با هم اختلاف دارند؛ (۱) برخی بر این باورند که یعنی منتظر ثواب پروردگارند (امام علی(ع)؛ مجاهد). (۲) برخی دیگر مانند ابی‌مسلم گفته‌اند که انتظار داشتن در این آیه به معنای آرزومندی و امیدواری به تجدید کرامت می‌باشد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج. ۲۶، ص. ۱۱۷).

ج- در تفاسیر روایی معصومان (ع) هم هر دو معنای «نگاه کردن» و «منتظر ماندن» دیده می‌شود. امام علی(ع) در باره آیه ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ فرموده: «یعنی بالنظر إليه: النظر إلى ثوابه- تبارک و تعالیٰ». (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۲) همچنین امام رضا(ع) ذیل آیات ﴿وَجُوهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ فرمود: «یعنی: مشرقه تنتظر ثواب ربها» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج. ۱، ص. ۱۱۴). نکته حائز اهمیت این است که در هر دو روایت، چشم دوختن به ثواب باری تعالی مطرح شده، نه دیدن خود خداوند متعال.

د- از منظر علامه طباطبایی، «مراد [از ناظره] نظر قلبی و دیدن قلب به وسیله حقیقت ایمان است، همان‌طور که براهین عقلی هم همین را می‌گویند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۷۸).

بررسی ترجمه‌ها

آیه: ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ (۷۵:۲۳)

۱. الهی قمشه‌ای: و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می‌کنند.
۲. فیض‌الاسلام: بسوی (رحمت و مهربانی و ثواب و پاداش) پروردگارشان نگرده‌اند (یا منتظر و چشم براهند).
۳. آیتی: که سوی پروردگارشان نظر می‌کنند.
۴. فولادوند: و به‌سوی پروردگار خود می‌نگرند.

۵. مکارم شیرازی: و به پروردگارش می‌نگرد!
۶. خرمشاهی: به سوی پروردگار خویش نگران.
۷. صفارزاده: و با امید به نور آفریدگار پروردگار خود می‌نگرند.
۸. صادقی تهرانی: (که) به سوی (رحمت) پروردگارشان نگرند.
۹. موسوی گرمارودی: (که) به (پاداش و نعمت) پروردگارش می‌نگرد.
۱۰. حداد عادل: چشم دوخته به سوی پروردگار خود.

علی‌رغم تأکید روایات معصومان (ع) و مطالب تفسیری مذکور، تنها ترجمه فیض‌الاسلام است که به هر دو معنای «ناظره» یعنی «دیدن» و «منتظر بودن» توجه کرده و معادل «دیدن» را داخل متن اصلی و معنای «منتظر و چشم به راه بودن» را به صورت افزوده تفسیری آورده است.

بقیه مترجمان، هر چند برای واژه «ناظره» معادل‌های متناسب با معنای دیدن را آورده‌اند، اما با توجه به تفاوت‌هایی که از نظرنوع شیء مرئی، ابزار دیدن و نوع دیدن قائل شده‌اند، از لحاظ محکم و متشابه بودن یکسان نیستند. برخی از آنها سعی کرده‌اند ترجمه آیه را از متشابه بودن خارج نمایند؛ بدین صورت، ترجمه الهی قمشه‌ای روی ابزار رویت متمرکز شده و چشم قلب را جایگزین چشم سر نموده و گفته «و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می‌کنند».

ترجمه صفارزاده روی نحوه دیدن تأکید کرده و گفته «و با امید به نور آفریدگار پروردگار خود می‌نگرند».

ترجمه‌های فیض‌الاسلام، صادقی تهرانی و موسوی گرمارودی روی شیء مورد رؤیت تأکید نموده و با افزوده‌های تفسیری «رحمت و مهربانی و ثواب و پاداش» (فیض‌الاسلام)، «رحمت» (صادقی تهرانی) و «پاداش و نعمت» (موسوی گرمارودی) مشخص کرده‌اند که منظور از «ناظره» نگرستن به رحمت و پاداش پروردگار است، نه خود خداوند.

اما برخی ترجمه‌ها هم منظور از «ناظره» را «دیدن خود پروردگار» انگاشته‌اند و با آوردن معادل‌هایی مانند «نظر می‌کنند» (آیتی)، «می‌نگرند» (فولادوند)، «می‌نگرد» (مکارم شیرازی)،

«نگران» (خرمشاهی) و «چشم دوخته» (حداد عادل) آیه را طوری ترجمه کرده‌اند که خداوند گویا در روز قیامت خداوند با چشم سر قابل دیدن است. لذا می‌توان گفت که معادل‌گزینی در همه این ترجمه‌ها به صورت صوری صورت پذیرفته و این ترجمه‌ها همچنان در حالت متشابه قرار دارند.

۴-۴ جنب

آیه: ﴿... عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...﴾ (۳۹: ۵۶)

واژه «جنب» نام عضو بدن و به معنای پهلو و طرف می‌باشد (راغب، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰) و در میان کلماتی است که وجودش در آیات قرآن شبهه آفرین است، زیرا معنای اولی و ارجاعی آن مشمول اعضای بدن است و برداشت چنین معنایی سبب می‌شود که این آیه در زمره آیات متشابه قرار گیرد (سیوطی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۶).

در فرهنگ‌های واژگانی معانی دیگر «جنب» عبارت است از: قرب، جانب، ناحیه، دوری (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۴۷)، و این که مراد از جنب الله «امر خدا و حدود اوست» (راغب، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹).

از قول امام کاظم (ع) نیز نقل شده که فرمودند: «مراد از جنب الله امیر المؤمنین (ع) و اوصیاء بعد از او هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۳).

برخی مفسران به این نکته اشاره نموده‌اند که در هیچ کدام از تفاسیر منظور از «جنب» الصاق و چسباندن چیزی به خداوند نیست، بلکه در حقیقت سبب و مسبب جای هم قرار گرفته‌اند. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۲) به تعبیر ادبا از باب مجاز مرسل است. چون امر و فرمان الهی به وسیله پیامبران و اوصیاء (ع) از طرف خدا به مردم ابلاغ می‌شود لذا آنان جانب و طریق رساندن فرامین الهی می‌شوند.

بر همین اساس برخی مفسران گفته‌اند: «جنب الله که به معنای جانب و ناحیه خداست، عبارت است از چیزهایی که بر عبد واجب است و «تفریط» در جنب خدا به معنای کوتاهی در آن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۸).

بررسی ترجمه‌ها

آیه: ﴿...عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...﴾ (۳۹: ۵۶)

۱. الهی قمشه‌ای: ... که جانب امر خدا را فرو گذاشتم...
۲. فیض الاسلام: ... بر آنچه درباره (عبادت و بندگی) خدا تقصیر و کوتاهی کردم...
۳. آیتی: ... که در کار خدا کوتاهی کردم...
۴. فولادوند: ... بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم...
۵. مکارم شیرازی: ... از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم...
۶. خرمشاهی: ... در آنچه در کار خدا فروگذار کردم...
۷. صفارزاده: ... از قصوری که در شناخت آنچه از جانب خداوند آمده بود معمول داشتم ...
۸. صادقی تهرانی: ... بر آنچه در نزد خدا کوتاهی ورزیدم...
۹. موسوی گرمارودی: ... از آنچه درباره خداوند کوتاهی کردم...
۱۰. حداد عادل: ... که چسان جانب خدا را فرو گذاشتم...

مترجمان نیز به تبع مفسران معادل‌های مختلفی را برای عبارت «جنب الله» برگزیده‌اند. برخی ترجمه این آیه در حالت متشابه نگه داشته‌اند، اما برخی سعی کرده‌اند، تا ترجمه آیه از حالت متشابه خارج شود.

الهی قمشه‌ای و حداد عادل، با توسل به روش معادل‌گزینی صوری عبارت «جانب خدا» را معادل «جنب الله» قرار داده‌اند، البته الهی قمشه‌ای کلمه امر را اضافه نموده تا آیه را از حالت متشابه خارج نماید، اما در ترجمه صفارزاده عبارت طولانی «در شناخت آنچه از جانب خداوند آمده بود» آورده شده تا هم معنای صوری جنب را حفظ کند و هم ترجمه آیه را از حالت متشابه خارج نماید.

ترجمه‌های فولادوند و صادقی تهرانی، معادل‌های «حضور» و «نزد» را برگزیدند که نوعی معنای صوری می‌باشد. از آنجا که این دو کلمه اعم از حضور و نزدیکی جسمانی و غیر جسمانی است. لذا این ترجمه‌ها هم در حالت متشابه باقی مانده‌اند.

ترجمه‌های آیتی، خرمشاهی، معادل «کار» را به جای «جنب» قرار داده‌اند که منظور از کار مشخص نیست.

در ترجمه‌های فیض‌الاسلام و موسوی گرمارودی عبارت «درباره خداوند» معادل قرار داده شده، با این تفاوت که فیض‌الاسلام با افزوده تفسیری «عبادت و بندگی» مشخص نموده که ذات خداوند مد نظر نیست بلکه اطاعت از اوامر و فرامین الهی منظور می‌باشد، تا ترجمه را از حالت متشابه خارج نماید.

در ترجمه مکارم شیرازی نیز عبارت «اطاعت فرمان خدا» به‌عنوان معادل داخل متن اصلی قرار داده شده، تا ضمن خروج ترجمه از حالت متشابه، با آیات محکم قرآن نیز در تعارض نباشد.

۴-۵ فوق

آیه: ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ...﴾ (۱۶: ۵۰)

آیه ۵۰ سوره نحل نیز در میان آیاتی است که به واسطه وجود واژه «فوق» در ردیف آیات متشابه قرار گرفته است، زیرا معنای اول این واژه برای موقعیت مکانی و جهت حسی به کار می‌رود (معرفت، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۱).

واژه «فوق» در فرهنگ لغت به معنای «بالا» نقیض «تحت» (پایین) است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج. ۵، ص. ۲۲۴) و به اعتبارات مختلف برای مکان و زمان، جسم، عدد و منزلت نیز به کار می‌رود (راغب، ۱۳۸۹، ص. ۶۱۵). مفسران نیز در تفسیر معنای واژه «فوق» و مصادیق آن نظر یکسانی ندارند. برخی معتقدند متعلق این فوقیت کیفر الهی است. به عبارت دیگر واژه عقاب که مضاف رب بوده حذف شده، در واقع، منظور آیه چنین بوده است؛ «يَخَافُونَ عِقَابَ رَبِّهِمْ مِنْ فَوْقِهِمْ» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۷۱). برخی دیگر بر این باورند که متعلق این فوقیت در ﴿مَنْ فَوْقِهِمْ﴾ ذات اقدس اله و جبروت اوست که سبب ترس فرشتگان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۲، ص. ۳۸۷).

بررسی ترجمه‌ها

آیه: ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ...﴾ (۱۶: ۵۰)

۱. الهی قمشه‌ای: و از قهر خدا که فوق همه آنهاست می‌ترسند...

۲. فیض الاسلام: از پروردگارشان که فوق و بالا و غالب بر ایشان است می‌ترسند...
 ۳. آیتی: از پروردگارشان که فراز آنهاست می‌ترسند...
 ۴. فولادوند: از پروردگارشان که حاکم بر آنهاست می‌ترسند...
 ۵. مکارم شیرازی: آنها (تنها) از (مخالفت) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، می‌ترسند... (تفسیر نمونه)
 ۶. خرمشاهی: از پروردگارشان که بر آنان محیط است، می‌ترسند...
 ۷. صفارزاده: آنها از عدم اطاعت آفریدگار پروردگار خود که بالای سر آنهاست می‌پرهیزند...
 ۸. صادقی تهرانی: از پروردگارشان (که به گونه‌ای مطلق) فوق آنهاست - می‌هراسند، ...
 ۹. موسوی گرمارودی از پروردگارشان که بر آنها چیرگی دارد می‌هراسند...
 ۱۰. حداد عادل: آنها از پروردگارشان که بر آنها مسلط است می‌ترسند...
- مترجمان برای ترجمه واژه «فوق» در آیه ۵۰ سوره نحل معادل‌هایی را گزینش نموده‌اند که هرچند همه آنها معنای علو و بالا بودن را تداعی می‌کند. لیکن این معادل‌ها از لحاظ انتقال معنا با هم متفاوت هستند.
- برخی ترجمه‌ها واژه «فوق» را با استفاده از معادل‌گزینی صوری معنا کرده و با آوردن معادل‌های «فراز» (آیتی)، «فوق» (صادقی تهرانی)، ترجمه آیه را هم مانند خود آیه در حالت متشابه نگه داشته‌اند. اما دیگر مترجمان سعی کرده‌اند، ترجمه آیه را از حالت متشابه خارج نمایند. البته آنها نیز همانند مفسران دو گروه شده‌اند:
- گروه اول مترجمانی (الهی قمشه‌ای و صفارزاده) هستند که واژه «فوق» را متعلق به خوف از عذابی دانسته‌اند که از نافرمانی پروردگار و قهر او حاصل می‌شود. آنها نیز هرچند واژه «فوق» را به صورت صوری «فوق» (الهی قمشه‌ای) و «بالای سر» (صفارزاده) معادل‌سازی نموده‌اند، لیکن عبارتهای «قهر خدا» (الهی قمشه‌ای) و «عدم اطاعت آفریدگار» (صفارزاده) را نیز داخل متن ترجمه قرار داده‌اند، تا ترجمه حالت متشابه پیدا نکند.
- گروه دوم مترجمانی هستند که واژه «فوق» در این آیه را متعلق به خداوند دانسته‌اند به-همین خاطر واژه‌های «غالب بر» (فیض الاسلام) «حاکم بر» (فولادوند و مکارم شیرازی)، «محیط

«بر» (خرمشاهی)، «چیرگی بر» (موسوی گرمارودی) و «مسلط بر» (حداد عادل) را معادل قرار داده‌اند که ناظر به صفات کمال و جلال خداوند است. به عبارت دیگر آنها فوقیت را به معنای علو و برتری قدرت و عظمت معنا نموده‌اند تا از تداعی معنای مکانی و حسی فوقیت جلوگیری کنند و ترجمه آیه را از حالت متشابه خارج نمایند، به گونه‌ای که با آیات محکم نیز در تعارض نباشد.

۵. نتیجه‌گیری

از نتایج مهم این پژوهش این است که علی‌رغم وجود معانی سازگار با آیات محکم قرآن در کتب روایی، تفسیری و فرهنگ‌های واژگانی، برخی مترجمان معاصر معادل‌هایی را برگزیده‌اند که ترجمه فارسی آیات هم مانند خود آیات همچنان در حالت متشابه باقی مانده و در جهت رفع تعارض با محکمت قرآنی در این ترجمه‌ها هیچ اقدام خاصی صورت نپذیرفته است. می‌توان گفت که این مترجمان با بهره‌گیری از معادل‌گزینی صورتی تلاش کرده‌اند، وفاداری خود را به ظاهر متن (آیات متشابه) حفظ نمایند. در کنار این مترجمان، برخی مترجمان معاصر دیگر از طریق معادل‌گزینی پویا، یعنی با گزینش معادل‌های همسو با آیات محکم برای واژه‌ها و عبارات متشابه سعی کرده‌اند ترجمه آیات را از حالت متشابه خارج کرده‌اند.

این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که روایات تفسیری بیشترین نقش را در تبیین مفاد و مقاصد آیات متشابه داشته‌اند و از بین ترجمه‌های بررسی شده، ترجمه‌های فیض‌الاسلام و الهی قمشه‌ای، بیش از سایرین به معانی روایی واژه‌های متشابه توجه نموده و سعی کرده‌اند ترجمه‌ای ارایه دهند که با آیات محکم قرآن در تضاد و تعارض نباشد.

بر اساس این جستار پیشنهاد می‌شود که ترجمه‌های بیشتری از آیات متشابه مورد مذاقه و پژوهش قرار گیرد، تا با بررسی و تحلیل عمیق‌تر، نکات قوت و ضعف ترجمه‌ها از جهات مختلف (به‌ویژه هماهنگی با آیات محکم قرآن) آشکار گردد و بر اثر این روشنگری ترجمه‌های جدید از صحت و دقت و کارآمدی بیشتر برخوردار گردند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، م. ب. ع. (۱۳۹۸). *التوحید (حسینی، هاشم، مصحح)*. جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، م. ب. ع. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. نشر جهان.
- ابن شهر آشوب، م. ب. ع. (۱۴۱۰). *متشابهات القرآن ومختلفه*. انتشارات بیدار.
- ابن منظور، م. ب. م. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. دار صادر.
- اقبال، ع. و زرکار، ز. (۱۳۹۲). نقد ترجمه کنایه در ترجمه‌های فارسی قرآن. پژوهش دینی، ۲۶، ۱-۲۳.
- الهی قمش‌های، م. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. انتشارات فاطمه الزهراء.
- امانی، ر. و شادمان، ی. (۱۳۹۱). چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرآیند ترجمه. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۵(۲)، ۱۳۹-۱۶۸.
- امانی، ر. (۱۳۸۸). بررسی پاره‌ای از ساختارهای صرفی قرآن کریم و نقد ترجمه‌های مشهور معاصر. *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، ۲، ۸۹-۱۰۲.
- آیتی، ع. م. (۱۳۷۴). ترجمه قرآن. انتشارات سروش.
- بحرانی، س. ه. (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*. بنیاد بعثت.
- حداد عادل، غ. (۱۳۹۰). ترجمه قرآن. چاپخانه آستان قدس رضوی.
- خرمشاهی، ب. (۱۳۷۶). *قرآن کریم همراه با ترجمه (ویراستاران: م. انصاری، م. کریمی‌نیا)*. انتشارات نیلوفر.
- تاج‌آبادی، ف. (۱۳۹۸). نقد ترجمه *اسماء خداوند*. مطالعات نقد ادبی، ۱۴(۴۹)، ۵۵-۶۹.
- تاج‌آبادی، ف. (۱۳۹۸). واکاوی چالش‌های برابریابی اسماء‌الحسنی در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۱)، ۱-۳۵.
- سیوطی، ج. ا. (۱۳۸۴). *الاتقان فی علوم القرآن* (ترجمه: س. م. حائری قزوینی). انتشارات امیرکبیر.
- شرکت‌مقدم، ص. (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی ترجمه‌پذیری اسماء الهی در آیه بیست‌وسه سوره حشر با استناد به ترجمه آندره شورکی و کازیمیرسکی. *سراج منیر*، ۷(۲۲)، ۱۶۷-۱۹۲.
- صادقی تهرانی، م. (۱۳۸۲). ترجمه قرآن. انتشارات کلیدر.

- صفا‌زاده، ط. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ترجمه: س. م. موسوی همدانی). انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ف. ب. ح. (۱۳۶۰). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن* (ترجمه: مترجمان). انتشارات فراهانی.
- فراهیدی، خ. ب. ا. (۱۴۰۱). *کتاب‌العین*. انتشارات هجرت.
- فولادوند، م. م. (۱۳۷۶). ترجمه قرآن. دارالقرآن‌الکریم.
- فیض‌الاسلام، س. ع. ن. (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*. انتشارات فقیه.
- فهیمی‌تبار، ح. (۱۳۸۴). نقد ترجمه‌های معروف قرآن به فارسی بر اساس بافت. *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۱(۴۲-۴۳). ۱۶۰-۱۸۱.
- کلینی، م. ب. ی. (۱۴۰۷). *الکافی*. الکتب‌الإسلامیة.
- معرفت، م. ه. (۱۳۸۶). *علوم قرآنی*. مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن کریم (مؤخره ترجمه). انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- موسوی گرمارودی، س. ع. (۱۳۸۴). ترجمه قرآن. مؤسسه انتشاراتی قدیانی.
- میرسید، س. م. ر. و حاج‌اسماعیلی، م. ر. (۱۳۹۲). نقش روایات امامیه در معادل‌گزینی مفردات قرآنی و بازتاب آن در نقد ترجمه‌های معاصر قرآن کریم. *پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، ۲(۲)، ۹۳-۱۱۸.

Nida, E. A. (2021). *Toward a science of translating: with special reference to principles and procedures involved in Bible translating*. Brill.